Identifying and analyzing the components of science and research in Nahj al-Balagha in line with the declaration of the second step of the revolution

Mohammad Azimi[1]، Sayyed mahdi Hosseini*[2]،
Morteza Golshani gehraz[3], Kamal Nosrati Heshi[4]

Abstract
Objective: the social pathology of students at the time of covey 's epidemic was based on teachers and managers.
method: this research is mixed method (qualitative - quantitative) . in the qualitative section semi - structured interviews were used. quantitative samples were selected by convenience sampling method. the sample size using cochran formula was 203 people that 250 people entered the study. quantitative section data were. in the qualitative section, according to the documentation, the texts of the interviews and the hidden and overt content of it and the subjects that people have talked about, the required information was extracted.
results: based on the results of the study, four pathologies were identified as social pathology of students at the time of corona, which included internet addiction, values invasion, social isolation and social isolation. addiction to the internet has points and social isolation has points of the pathologies identified.
conclusion: corona has caused the social damage of the students so that their isolation has caused more isolation in the community and the destructive effects of virtual space on them.
key words: social pathology, students, covey, teachers, teachers.

1.Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O. Box 889-14665, Tehran, Iran.
mohammad_azimi@cfu.ac.ir
2. Islamic Studies Department Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran
sm.hoseini@cfu.ac.ir
3.Master's student in Educational Psychology, Farhangian University, Tehran, Iran, Email: morteza.golshani.g@gmail.com, Orchid .
4 Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O. Box 889-14665, Tehran, Iran
Kamal Nosrati Heshi, kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

مقاله پژوهشی

10.22034/popsci.2026.513291.1405

شناسایی و واکاوی مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه در راستای بیانیه گام دوم انقلاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

محمد عظیمی[۱]، سید مهدی حسینی*[۲] مرتضی گلشنی گهراز[۳] کمال نصرتی هشی[۴]

چکیده

موضوع: علم و پژوهش همواره مورد تأکید قرآن، نهج‌البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب، در سطح آموزش اسنادی نظیر سند تحول بنیادین و غیره بر این امر توجه داشته و بر آن تأکید دارند. بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه در راستای بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار دهد.

هدف: ازآنجاکه علم و پژوهش در چهل سال دوم انقلاب نقش اساسی دارد و اینکه بیانات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پاسخگوی بسیاری از سؤالات عصر کنونی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است این پژوهش می‌تواند در گام دوم انقلاب تأثیرگذار باشد.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که در دو مرحله به منظور دستیابی به یافته‌ها انجام پذیرفت.گام اول: با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع توصیفی و تحلیلی انجام گردیده است. برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردی؛ به‌طوری‌که در گام کیفی، بخش‌های مرتبط نهج‌البلاغه به‌صورت هدفمند انتخاب، چندبار خوانش عمیق شد و واحدهای معنایی به روش کدگذاری باز استخراج گردید. کدهای مشابه در قالب مقوله‌ها سازمان‌دهی و در مراحل تحلیل محوری و گزینشی به چارچوب نهایی تبدیل شد. برای افزایش روایی آن نیز، از سه‌سوسازی استفاده شد؛ به این صورت که داده‌های استخراج‌شده از متن با یافته‌های پژوهش‌های پیشین و مبانی نظری مقایسه شد و تحلیل‌ها توسط چند پژوهشگر بازبینی گردید تا دقت و بی‌طرفی تحلیل تضمین شود. یعنی مطالعه با استناد به مبانی برخاسته از نهج‌البلاغه یا همان اصول و گزاره‌های بنیادینی است که مستقیماً از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی(ع) استخراج می‌شود و نیز بهره‌گیری از پژوهش‌های مربوط و مبانی نظری انجام شد. گام دوم: به منظور بررسی فراوانی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج البلاغه، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. محتوای طرح از نظر پاسخگو(متن نهج‌البلاغه) و هفت مؤلفه اصلی در حیطه مؤلفه‌های علم و پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها و نتایج: بررسی مؤلفه‌های علم و پژوهش از منظر نهج‌البلاغه نشان می دهد که از بررسی مؤلفه‌های علم و پژوهش از منظر نهج‌البلاغه علم و اندیشه‌ورزی با فراوانی۶۰ ، صنعت و فناوری با فراوانی ۴، تحقیق و پژوهش با فراوانی ۸، برنامه‌ریزی با فراوانی ۲۱، آینده‌پژوهی با فراوانی ۶۱، مهارت‌آموزی با فراوانی ۱۳ ، مدیریت با فراوانی ۷ به‌دست آمد. بیشترین ضریب اهمیت مربوط به آینده‌پژوهی با فراوانی (۶۱) و کمترین ضریب اهمیت صنعت و فناوری با مقدار (۴) است. به‌طوری‌که ضریب اهمیت نشان می‌دهد هر مؤلفه چقدر در متن برجسته است و با روش آنتروپی شانون محاسبه شده؛ یعنی ابتدا فراوانی‌ها نرمال‌سازی شده، سپس بار اطلاعاتی هر مؤلفه تعیین و در نهایت سهم نسبی آن به‌عنوان ضریب اهمیت ثبت شده است.

واژه‌های کلیدی: علم و پژوهش، بیانیه گام دوم انقلاب، نهج البلاغه، تحلیل محتوا.

۱. گروه آموزش علوم تربیتی ، دانشگاه فرهنگیان ، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران ، ایران
mohammad_azimi@cfu.ac.ir

۲. گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان ، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران ، ایران .(نویسنده مسئول)
sm.hoseini@cfu.ac.ir

۳ . گروه آموزش علوم تربیتی ، دانشگاه فرهنگیان ، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران ، ایران
morteza.golshani.g@gmail.com

۴. گروه آموزش علوم تربیتی ، دانشگاه فرهنگیان ، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران ، ایران
kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصویری روشن از چله دوم انقلاب اسلامی به ارمغان آورده و مسیری آشکار و شایسته نظام اسلامی برای آینده انقلاب تعیین کرده است (عرب‌بافرانی و مهتدی، ۱۳۹۹). بیانیه حاضر در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ جهت تبیین و تفسیر دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی تدوین شد (صادقی و همکاران، ۱۴۰۳). عمده مخاطب این بیانیه جوانان بوده و در آن به مباحثی نظیر معنویت، اخلاق، علم و پژوهش پرداخته شده است (کشاورز، ۱۴۰۳). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در چند بخش تدوین شده است: بخش اول بر مسائل کلی انقلاب اسلامی، بخش دوم بر دستاوردهای چهل سال اول، و بخش سوم شامل توصیه‌های سکاندار حکیم انقلاب اسلامی به جوانان است (مقیمی، ۱۳۹۷؛ نظری، ۱۴۰۰). در بخش سوم، تأکید ویژه‌ای بر علم و پژوهش شده و آن را وسیله‌ای برای اعتلای کشور، عزت و قدرت ملی دانسته‌اند. به گونه‌ای که برای روشن شدن اهمیت علم و پژوهش در بیانیه، لازم است به تاریخچه و نقش همیشگی علم و پژوهش در عزت و قدرت ملل اشاره شود. چراکه با توجه به تأکید بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر علم و پژوهش به‌عنوان ابزار اصلی عزت و قدرت ملی، اهمیت تاریخی و دینی علم و پژوهش نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نقش آن در پیشرفت کشور و جامعه روشن گردد.

اسناد بالادستی همواره بر کسب علم و دانش و پژوهش و تحقیق اشاره داشته و بر آن تأکید کردند که بیانگر اهمیت علم و پژوهش از منظر اسناد و قوانین رسمی کشور است. به‌طوری‌که ضمن توجه بر فواید آن، آن را برای عزت و سربلندی و نفوذناپذیری توسط دشمنان و متجاوزان امری لازم دانستند. بر این اساس می‌توان گفت علم و پژوهش همواره مورد تأکید قرآن، نهج‌البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب، در سطح آموزش اسنادی نظیر سند تحول بنیادین و غیره بر این امر توجه داشته و بر آن تأکید دارند. چراکه علم و پژوهش تنها جنبه نظری ندارد، بلکه برای حفظ استقلال و نفوذناپذیری کشور ضروری است. در این میان، قرآن کریم توجه مضاعف و درخوری بر این امر داشته و بیان می‌دارد که علم و پژوهش موجب تفکر و تدبر در آیات الهی (آل عمران، آیه ۱۹۰)، ارتقای مقام و درجات انسانی (مجادله، آیه ۱۱)، آغاز هدایت و تعلیم با خواندن و نوشتن (علق، آیات ۱ تا ۵)، زمینه هدایت جامعه (بقره، ۱۵۱)، تقویت تقوا و رشد اخلاقی (زمر، آیه ۹) و غیره می‌گردد. از این آیات مشخص می‌شود که قرآن علم و پژوهش را نه صرفاً به‌عنوان ابزار فردی، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای اعتلای جامعه معرفی می‌کند. در همین راستا، امیر بیان علی‌بن‌ابیطالب(ع) نیز در علم و پژوهش را موجب، استواری دین و دنیا (حکمت ۳۷۲)، طاعت و بندگی خداوند (حکمت ۱۴۷)، بردباری و صبر (خطبه ۱۹۳)، بستن راه عذرتراشی برای بهانه‌جویان (حکمت ۲۸۴) و غیره می‌دانند. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که نهج‌البلاغه مؤلفه‌های متعددی برای

علم و پژوهش مطرح می‌کند که شامل ابعاد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است و علم را به‌عنوان قدرتی برای مدیریت و هدایت جامعه می‌بینند. بر این اساس، شناسایی این مؤلفه‌ها می‌تواند چارچوبی علمی و دینی برای تبیین اهمیت علم و پژوهش در تحقق اهداف بیانیه گام دوم ارائه دهد. با وجود این تأکیدات و اهمیت آشکار علم و پژوهش، بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که در عمل، تحقق این اهداف با چالش‌ها و کمبودهایی مواجه است. علی‌رغم تأکیداتی که بر پژوهش و علم صورت گرفته است؛ اما بررسی‌ها و بیانات متخصصان و سیاست‌مداران بیانگر آن است که علم و پژوهش علی‌رغم آنکه در بعد از انقلاب پیشرفت چشم‌گیری داشته است، اما در برخی زمینه‌ها مغفول مانده است.

بررسی‌های موجود حاکی از غفلت در برخی زمینه‌های علم و پژوهش در کشور است؛ خسروپناه (۱۳۹۴) بیان داشته است که وضعیت تولید علم در رشته‌های علوم انسانی رضایت‌بخش نیست و فاصله زیادی با وضعیت ایده‌آل دارد. این مسئله نشان می‌دهد که ساختار سیاست‌گذاری علمی کشور هنوز نتوانسته پیوند واقعی میان پژوهش‌های علوم انسانی و مسائل واقعی جامعه ایجاد کند؛ البته باید توجه داشت شاید مهم‌ترین چالش پژوهش‌های علوم انسانی، عدم کاربردی بودن این پژوهش‌ها در جامعه دانسته شده است؛ به‌طوری‌که پوررستمی (۱۴۰۳) نیز اشاره دارد که یکی از مشکلات اصلی پژوهش در ایران، ضعف در آموزش است. اگر سیستم آموزشی مبتنی بر کاربرد عملی، مشارکت فعال، خلاقیت و توانایی شناسایی مسائل نباشد، روند پژوهش نیز آسیب می‌بیند. این چالش بیانگر آن است که مهارت‌محوری، تفکر انتقادی و حل مسئله هنوز در برنامه‌های درسی به‌طور جدی نهادینه نشده است. در ادامه پورعابدی (۱۴۰۰) نیز اشاره دارد پژوهش عمدتاً به پروژه‌های محدود و کوچک اختصاص دارد و طرح‌های کلان و ملی تعریف نمی‌شود. این امر سبب می‌شود پژوهش‌ها پراکنده، کوتاه‌مدت و فاقد اثرگذاری شوند. بنابراین لازم است نظام پژوهشی کشور به سمت سیاست‌گذاری مأموریت‌گرا حرکت کند، پروژه‌های کلان ملی تعریف شود، شبکه‌سازی میان مراکز تحقیقاتی صورت گیرد. نژادابراهیمی (۱۴۰۳) نیز به عواملی مانند عدم تأمین مالی، تبلیغ منفی، سخت‌گیری ناشران بین‌الملل و تحریم اشاره می‌کند. این موارد نشان می‌دهد که علاوه بر چالش‌های داخلی، موانع ساختاری و بین‌المللی نیز بر کاهش اثربخشی پژوهش اثرگذارند. بنابراین پژوهش در سطح ایران دارای چالش‌هایی بوده و از حد مطلوب آن فاصله دارد و نیازمند توجه بوده و در ادامه سعی بر آن است تا به برخی پژوهش‌ها در این راستا پرداخته شود.

بنابر اهمیتی که علم و پژوهش دارد؛ تحقیقاتی در این راستا به ثمر رسیده است؛ البته در بخش حاضر سعی بر آن است تا به چندی از پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته شود. کیاکجوری (۱۴۰۰) با بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، مدلی مفهومی با ابعاد

بومی‌سازی دانش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، تقویت پژوهش‌محوری، آموزش‌وپرورش، تولید علم و کاربردی‌سازی آن ارائه کرده است؛ نقاط قوت مطالعه او در نگاه آینده‌پژوهانه و سیاستی است، اما روشن نیست این ابعاد تا چه حد مستقیماً از متون دینی استخراج شده و فرآیند اعتبارسنجی مدل نیز گزارش نشده است. شیروانی (۱۴۰۱) چالش‌های تحقق اهداف علم و فناوری در بیانیه گام دوم انقلاب را شامل نبود سازمان واحد سیاست‌گذاری، موازی‌کاری اجرایی و ضعف ارتباط صنعت و علم معرفی کرده و فرصت‌هایی همچون سرمایه جوان و دسترسی به فناوری‌های نوین را مطرح می‌کند؛ با این حال، پژوهش وی فاقد پیوند عمیق میان این چالش‌ها با آموزه‌های نهج‌البلاغه و فاقد ارائه راهکارهای مبتنی بر تحلیل متن است. موجی (۱۴۰۲) نقش و جایگاه علم در احیای تمدن اسلامی را از منظر نهج‌البلاغه تبیین کرده و نشان داده است که این اثر بر منزلت علم تأکید ویژه دارد و می‌توان از آن برای بازسازی تمدن اسلامی بهره گرفت؛ ولی تحلیل او در سطح کلان باقی مانده و مؤلفه‌های عینی، کاربردی و قابل‌استخراج از متن ارائه نشده است. علیزاده (۱۴۰۴) کلان‌روندهای علم و پژوهش در تراز گام دوم انقلاب را شامل ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، جهش علمی، پیش‌دستی در علوم پایه، تحول نظام آموزشی و جهت‌گیری پژوهش‌ها معرفی کرده است، اما این روندها با آموزه‌های نهج‌البلاغه به‌طور نظام‌مند تطبیق داده نشده و شاخص‌های اجرایی نیز ارائه نگردیده است. به‌طور کلی، اگرچه این مطالعات اهمیت علم، جایگاه عالم، الزامات تمدنی و نیازهای سیاستی را تبیین می‌کنند، اما ضعف مشترک آن‌ها اتکا بر توصیف، فقدان چارچوب استخراج منسجم از متن نهج‌البلاغه، عدم ارائه مدل مفهومی قابل سنجش، و نبود پیوند میان آموزه‌های متنی و کلان‌روندهای بیانیه گام دوم است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و واکاوی مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه، تلاش می‌کند با رویکردی تحلیلی و نظام‌مند، این خلأها را برطرف سازد و چارچوبی ارائه دهد که آموزه‌های نهج‌البلاغه را با نیازهای سیاستی و تمدنی گام دوم انقلاب هم‌راستا کند. با وجود ارزشمندی مطالعات پیشین در تبیین جایگاه علم، شأن عالم، الزامات تمدنی و چالش‌های سیاستی حوزه پژوهش، بررسی یکپارچه آن‌ها نشان می‌دهد که چند خلأ مشترک همچنان باقی است: نخست، غلبه رویکرد توصیفی و فقدان تحلیل نظام‌مند در استخراج مؤلفه‌های علم از متن نهج‌البلاغه؛ دوم، نبود چارچوب مفهومی منسجم که بتواند این مؤلفه‌ها را به شاخص‌های قابل‌تحلیل و قابل‌کاربست تبدیل کند؛ و سوم، فقدان پیوند ساختاری میان آموزه‌های نهج‌البلاغه و الزامات تمدنی و سیاستی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. در واقع، اگرچه هر یک از پژوهش‌های پیشین بخشی از مسئله را روشن ساخته‌اند، اما هنوز مدلی تحلیلی که بتواند مؤلفه‌های علم و پژوهش را به‌صورت شبکه‌ای و در نسبت با افق گام دوم انقلاب بازسازی کند، ارائه نشده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی

و واکاوی نظام‌مند مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه و تبیین نسبت آن با الزامات راهبردی گام دوم انقلاب، درصدد پر کردن این خلأ مفهومی و تحلیلی است.

بنابراین با وجود تأکید گسترده منابع دینی و اسناد بالادستی بر اهمیت علم و پژوهش، صرف گزارش این تأکیدات برای تبیین نسبت نهج‌البلاغه با الزامات تمدنی گام دوم انقلاب کفایت نمی‌کند. مسئله اساسی آن است که این مفاهیم چگونه باید بازخوانی شوند تا از سطح گزاره‌های تأییدی فراتر رفته و به چارچوبی تحلیلی و راهبردی تبدیل گردند. به‌ویژه آنکه بسیاری از مطالعات پیشین، بیشتر به بیان اهمیت علم پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل انتقادی و تأویلی مفاهیم بنیادین آن در متن نهج‌البلاغه توجه کرده‌اند. از این‌رو، ضروری است مفاهیم علم و پژوهش نه صرفاً بر اساس فراوانی واژگانی، بلکه در چارچوب شبکه معنایی و با در نظر گرفتن بافت تاریخی و تمدنی متن تحلیل شوند تا ظرفیت‌های پنهان آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر آشکار گردد.

با عنایت بر آنچه بیان شد، گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان روشنی‌بخش مسیر تحول جامعه اسلامی، بر اهمیت بازآفرینی نقش علم و پژوهش در چهل سال دوم انقلاب تأکید ویژه دارد. از این منظر، قرآن کریم، نهج‌البلاغه و اسناد بالادستی به‌ویژه خود بیانیه گام دوم علم را رکن قوام جامعه و یکی از پایه‌های اصلی پیشرفت تمدنی معرفی می‌کنند. در مقابل، بررسی وضعیت موجود جامعه نشان می‌دهد که نظام علم و پژوهش از وضعیت مطلوب فاصله دارد و برای رسیدن به جایگاه مورد انتظار، نیازمند تبیین دقیق اصول، آسیب‌ها و راهبردهای اصلاحی است. بر همین اساس، ضرورت مطالعه حاضر از آنجا ناشی می‌شود که نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از غنی‌ترین منابع معرفتی و مدیریتی تمدن اسلامی، ظرفیت ارائه چارچوبی مفهومی برای بازتعریف علم و پژوهش در تراز گام دوم انقلاب را داراست؛ ظرفیتی که تاکنون کمتر به صورت نظام‌مند استخراج و تحلیل شده است. بنابراین، هدف این پژوهش شناسایی و واکاوی مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

روش کار

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که در دو مرحله به منظور دستیابی به یافته‌ها انجام پذیرفت.

گام اول : این پژوهش با رویکرد کیفی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. به منظور استخراج و تدوین مبانی نظری و مؤلفه‌های علم و پژوهش از نهج‌البلاغه، از روش سه‌سوسازی بهره گرفته شد. این انتخاب مبتنی بر ماهیت مطالعه بود که نیازمند فهم عمیق، تفسیر معنایی، و تحلیل محتوای مفهومی متون بود و روش‌های کمی برای دستیابی به آن مناسب

نبودند. روش کیفی، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل مفاهیم را بدون تحمیل پیش‌فرض‌ها ممکن می‌سازد. برای افزایش روایی، داده‌های استخراج‌شده با یافته‌های پژوهش‌های پیشین و مبانی نظری مقایسه شده و تحلیل‌ها توسط چند پژوهشگر بازبینی شدند تا دقت و بی‌طرفی نتایج تضمین شود. فرایند سه‌سویه‌سازی داده‌ها در یک چرخه تحلیلی سه‌مرحله‌ای انجام شد. در مرحله نخست، مفاهیم مرتبط با علم و پژوهش به‌صورت استقرایی از متن نهج‌البلاغه استخراج و در قالب کدهای اولیه ثبت گردید. در مرحله دوم، این کدها با مفاهیم مشابه در پیشینه علمی مقایسه شدند تا تطابق یا تفاوت آن‌ها با مفاهیمی چون آینده‌پژوهی، آینده‌نگری راهبردی و عقلانیت پیش‌بینانه مشخص شود. در مرحله سوم، کدهای تأییدشده با چارچوب‌های نظری مرتبط همچون نظریات علم، حکمرانی دانشی و توسعه تمدنی انطباق یافتند تا جایگاه مفهومی آن‌ها در ساختار نظری کلان تعیین گردد. در صورت فقدان معادل نظری برای مفاهیم استخراج‌شده، آن‌ها به‌عنوان مضامین بومی حفظ شدند. بدین ترتیب، سه‌سویه‌سازی نه صرفاً مقایسه منابع، بلکه فرایندی نظام‌مند شامل استخراج، تطبیق و بازتعریف نظری بود که در نهایت به شکل‌گیری هفت مقوله بنیادین درباره اصول علم و پژوهش از منظر نهج‌البلاغه انجامید.البته مطلوب است تا در مثالی نیز نحوه کدگذاری واضح شود؛ به‌عنوان نمونه، در تحلیل محتوای حکمت ۱۱۳ نهج‌البلاغه («لاَ مَالَ أَعوَدُ مِنَ العقْلِ ... وَلاَ عِلم كَالْتَّفَكُّرِ»)، فرآیند کدگذاری در سه مرحله صورت پذیرفت. در کدگذاری باز، مفاهیم بنیادین مستقیم از متن استخراج شد که شامل واژگانی نظیر «عقل»، «علم» و «تفکّر» بود. سپس در مرحله کدگذاری محوری، این مفاهیم هم‌راستا با هدف پژوهش در محور «تعقّل و اندیشه‌ورزی» به‌عنوان بنیان رشد علمی دسته‌بندی و سازماندهی شدند. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، مضمون اصلی پژوهش از این محور استخراج گردید: «تعقّل و اندیشه‌ورزی»، که جایگاه اصلی علم و تفکر را در نظام معرفتی نهج‌البلاغه تبیین می‌کند و با تأکیدات بیانیه گام دوم انقلاب بر عقلانیت و علم‌محوری همسویی کامل دارد. در گام دوم پژوهش، به‌منظور سنجش فراوانی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. هدف این مرحله، ارزیابی میزان توجه متن به مؤلفه‌های استخراج‌شده از مرحله پیشین بود. تحلیل محتوا با فراهم کردن امکان بررسی عینی، نظام‌مند و مبتنی بر واحدهای تحلیل (صفحات متن)، ابزار مناسبی برای شمارش فراوانی، شناسایی الگوهای توجه و محاسبه ضریب اهمیت مؤلفه‌ها به‌شمار می‌آید.

برای افزایش دقت و کاهش سوگیری ذهنی، مدل آنتروپی شانون در دل تحلیل محتوا به‌کار گرفته شد که موجب ترکیب مؤثر رویکردهای کمّی و کیفی گردید. این ترکیب ضمن تأمین نیازهای تفسیری متن مقدس از یک‌سو و نیاز به سنجش آماری از سوی دیگر، داده‌ها را از سطح توصیف کیفی به سطح وزن‌دهی علمی و محاسبه ضریب اهمیت ارتقا داد. به این

ترتیب، تحلیل محتوا مبتنی بر آنتروپی شانون توانست روشی جامع و دقیق برای ارزیابی مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج‌البلاغه فراهم سازد. از جمله این مراحل می توان سه مرحله عمده زیر را ذکر نمود:

۱- مرحله قبل از تحلیل (آماده سازی و سازمان دهی)

۲- بررسی مواد(پیام)

۳- پردازش نتایج (حمیدوند ، بهاری ، عظیمی ، ۱۴۰۳).

در مرحله سوم پژوهش، تمرکز بر پردازش و تحلیل داده‌های استخراج‌شده از متن نهج‌البلاغه بود. پس از کدگذاری و مقوله‌بندی پیام‌ها، واحدهای تحلیل شامل جملات و بندهای مرتبط با مؤلفه‌های علم و پژوهش تعیین و بررسی شدند. هر عبارت معنادار در مرحله کدگذاری باز با برچسب مفهومی اولیه مشخص شد، سپس کدهای مشابه در قالب زیرمقوله‌ها و در نهایت در مقوله‌های اصلی ادغام گردیدند. این فرایند توسط پژوهشگر و هشت متخصص به‌صورت مشترک بازبینی و تأیید شد تا تطابق و یکنواختی در برداشت‌ها تضمین شود. در گام بعد، تحلیل کمّی داده‌ها با بهره‌گیری از مدل آنتروپی شانون انجام گرفت تا فراوانی، وزن نسبی و ضریب اهمیت هر مؤلفه محاسبه شود. این مدل، تحلیل محتوا را از سطح توصیف صرف به سطح تحلیل اطلاعاتی و رتبه‌بندی علمی مقوله‌ها ارتقا داد و دقت و اعتبار نتایج را افزایش داد. نوآوری پژوهش در آن است که هدف صرفاً استخراج مقوله‌ها نبود، بلکه بر تحلیل کمّی بار اطلاعاتی و ارزیابی اهمیت هر مقوله تمرکز شد. در نهایت، روایی مؤلفه‌ها با نظر متخصصان حوزه‌های سلامت و پژوهش تأیید و اعتبار تحلیل‌ها از طریق بازبینی مستقل توسط هشت خبره اطمینان‌سنجی شد. در ابتدا پیام بر حسب مقوله ها به تناسب هر پاسخگو در قالب فراوانی شمارش می شود. براساس داده های جدول فراوانی مراحل زیر به ترتیب انجام می شود.

مرحله اول: ماتریس فراوانی های جدول فروانی باید بهنجار[1] شوند که برای این کار از این رابطه استفاده می شود:

$$(Pij = Fij/(\sum_{i=1}^{m} Fij)\ (i=1, 2, 3,..., m, j=1, 2..., n$$

F =فراوانی مؤلفه P = هنجار شده ماتریس فراوانی = i شماره پاسخگو

= n تعداد مؤلفه = m تعداد پاسخگو j = شماره مؤلفه

مرحله دوم: بار اطلاعاتی[2] هر مقوله را محاسبه کرده و در ستون های مربوط قرار می دهیم و برای این منظور از رابطه زیر استفاده می شود:

۱. فرایندی است که موجب می‌شود همه داده‌ها در یک مقیاس واحد قرار گیرند تا بتوان آن‌ها را با هم مقایسه کرد؛ چراکه فراوانی‌ها متفاوت‌اند.

۲ . شاخصی است که نشان می‌دهد هر مقوله یا مؤلفه تا چه حد اطلاعات تازه یا پراکندگی داده‌ها را در متن فراهم می‌کند و میزان عدم قطعیت یا تنوع پاسخ‌ها را اندازه‌گیری می‌کند.

$$Ej=-k\sum_{i=1}^{m}[p_{ij}\ _{l_n}\ p_{ij}\ ]\ (i=1,\ 2,\ 3,...,\ m,\ j=1,\ 2\ldots,\ n)\ k=\frac{1}{Ln\ M}$$

Ej = بار اطلاعاتی P = هنجار شده ماتریس فراوانی i = شماره پاسخگو

m =تعداد پاسخگو j = شماره مؤلفه Ln= لگاریتم= n تعداد مؤلفه

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی نشانگرها، ضریب اهمیت[1] هر یک از نشانگرها محاسبه می شود. هر نشانگری که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت Wj بیشتری برخوردار است.

$$Wj=\frac{Ej}{\sum_{j=1}^{m}Ej}$$

Ej= بار اطلاعاتی Wj= درجه اهمیت j =شماره مؤلفه n = تعداد مؤلفه

همچنین باید توجه داشت ضریب اهمیت، شاخصی کمّی است که نشان می‌دهد هر مؤلفه چه سهمی در ساختار مفهومی نهج‌البلاغه دارد. به‌عنوان نمونه، ضریب اهمیت ۰،۳۳۲ برای مؤلفه آینده‌پژوهی بدین معناست که تقریباً یک‌سوم کل مفاهیم مرتبط با علم و پژوهش در متن نهج‌البلاغه، بر دوراندیشی، برنامه‌ریزی برای آینده و بهره‌گیری از گذشته متمرکز شده است. از منظر فلسفی و تفسیری، این نتیجه منعکس‌کننده نگاه امام علی(ع) به علم به‌عنوان ابزار هدایت و پیشگیری از خطاهای فردی و اجتماعی است؛ یعنی آینده‌نگری نه صرفاً مهارت اداری، بلکه اصول بنیادین تصمیم‌گیری، پیشگیری از اشتباهات تاریخی و بهره‌برداری از تجربه پیشینیان را شامل می‌شود. بنابراین، ضریب ۰،۳۳۲ نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی یکی از ارکان اصلی اندیشه امام علی(ع) در حوزه علم و پژوهش است و سهم آن در منظومه فکری ایشان قابل توجه است، به گونه‌ای که بدون توجه به این مؤلفه، چارچوب مدیریتی و پژوهشی اسلام ناب، کامل نخواهد بود. به بیان دیگر، عدد ۰،۳۳۲ تنها یک مقدار کمی نیست؛ بلکه بازتاب وزن فلسفی و کاربردی آینده‌پژوهی در ساختار فکری نهج‌البلاغه است و نشان می‌دهد که نگرش امام علی(ع) به علم، عمیقاً با آینده‌نگری و تأمل در پیامدها گره خورده است.

در این پژوهش سعی شد مؤلفه‌های علم و پژوهش در متن نهج‌البلاغه بررسی شود، البته ازآنجاکه تاکنون پژوهشی به‌طورمستقل مؤلفه‌های علم و پژوهش در متن نهج‌البلاغه را بررسی نکرده است ، برای تهیه مؤلفه‌ها و شاخص های پژوهش علاوه بر متن نهج‌البلاغه تحقیقات مختلف پیشین در زمینه های مؤلفه‌ها و شاخص های موردنظر، آرای متخصصان حوزه‌های علوم قرآنی، روش پژوهش، الهیات و فلسفه علم نیز استفاده شد. برای سنجش روایی مؤلفه‌های علم و پژوهش، روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان علوم قرآنی،

۱ . وزن نهایی هر مؤلفه است که اهمیت نسبی آن را نسبت به سایر مؤلفه‌ها نشان می‌دهد. هرچه ضریب اهمیت بیشتر باشد، آن مؤلفه نقش برجسته‌تری در داده‌ها دارد.

روش پژوهش، الهیات و فلسفه علم اجرا شد. ابزار کار، چک‌لیست ارزیابی روایی محتوایی شامل فهرست مؤلفه‌ها، تعاریف عملیاتی و واحدهای تحلیل بود. به‌طوری‌که تحلیل مفاهیم نهج‌البلاغه توسط ۹ نفر از متخصصان حوزه‌های علوم قرآنی، روش پژوهش، الهیات و فلسفه علم بازبینی شد. روایی محتوایی مؤلفه‌ها با استفاده از شاخص CVR [1] و CVI [2] ارزیابی گردید؛ بدین معنا که هر متخصص، میزان ضرورت، وضوح و ارتباط هر مؤلفه با چارچوب پژوهش را در مقیاس چهاردرجه‌ای مشخص کرد و مؤلفه‌هایی که CVR کمتر از مقدار بحرانی و CVI کمتر از ۰،۷۹ داشتند حذف یا اصلاح شدند. برای سنجش پایایی، پایایی میان‌کدگذاران با استفاده از روش کاپای کوهن و درصد توافق ساده محاسبه گردید. بدین منظور، بخش‌هایی از متن نهج‌البلاغه به‌صورت مستقل توسط پژوهشگر و هشت کدگذار متخصص تحلیل شد. قبل از کدگذاری نهایی، جلسه‌ای آموزشی با حضور همه کدگذاران برگزار شد تا تعاریف مفهومی مؤلفه‌ها، واحدهای تحلیل و مثال‌های کدگذاری به صورت یکسان مرور شود. سپس نمونه‌ای از متن به‌طور هم‌زمان تحلیل شد و اختلاف برداشت‌ها بررسی و تصحیح گردید تا نظام کدگذاری واحد و استاندارد برای همه کدگذاران ایجاد شود. نتایج نشان داد که توافق میان کدگذاران بالا و قابل قبول است و بنابراین تحلیل داده‌ها معتبر و قابل اتکا است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاصل تحلیل کمّی و کیفی متن نهج‌البلاغه بر پایه مؤلفه‌های علم و پژوهش است. در این مرحله، فراوانی هر مؤلفه استخراج و بر اساس مراحل سه‌گانه روش آنتروپی شانون پردازش شد. نتیجه کدگذاری کیفی نیز نشان داد که از دل تحلیل‌ها، ۱۷۴ مضمون پایه استخراج و از طریق مقایسه نظام‌مند در قالب ۷ مضمون سازمان‌دهنده ادغام و تثبیت شدند. جدول شماره یک روند شکل‌گیری این مضامین و ارتباط میان کدهای پایه تا سطوح مفهومی بالاتر را نشان می‌دهد.

1 . Content Validity Ratio

2 . Content Validity Index

جدول شماره ۱. فراوانی مؤلفه‌های علم و پژوهش در نهج البلاغه

خطبه	نامه	حکمت	موضوعات	مضامین	فراوانی
-۳۴-۱۳۱-۸۷-۳۴ -۱۰۹-۲۲۴-۱۵۴ -۲۲۲-۲۲۰-۱۶۱ -۸۳-۱۱۶-۱۰۶ -۱۹۳-۸۸-۱۴۷ -۱۵۱-۱۸۵-۱۰۳ -۱۸۷-۱۹۸-۱۷۶ -۱۲۴-۱۱-۱۰۷-۶۶ -۱۸۰-۱۹۰-۱۴۱	۳۱-۶۹-۶۳-۷۸-۳۱	-۴۰۷-۴۲۱ -۱۱۳-۴۰۹ -۳۶۵-۱۱۳ -۳۰۱-۳۸-۴۲۴ -۲۵۲-۴۷۸ -۲۱۹-۲۱۲ -۲۸۱-۵۴-۲۱۱ -۳۶۶-۳۲۰-۵ -۱۴۷-۲۰۸-۹۲ -۳۱-۲۰۸-۸۱ ۲۵۷-۳۷۲	علم و اندیشه‌ورزی	فراهم نمودن آموزش و پرورش عمومی - اهتمام به علوم دینی - تعقل و اندیشه‌ورزی - اندیشه در نعمت های خدا - اندیشه در عظمت خدا - فراگیری دانش - فهمیدن در گروی تفکر - آموزش قرآن - آموزش نظامی -	۶۰
	۵۳-۵۳-۵۳-۳۱		صنعت و فناوری	اخلاق در صنعت - لزوم حمایت حاکمیت از صنعتگران - تولید و صنعت عامل اصلی قوام جامعه - صنعتگران و بازرگانان- تامین کنندگان نیاز جامعه	۴
۱۶۶-۱۲۵	۵۳-۵۳-۵۳-۶۳-۳۱	۲۷۳	تحقیق و پژوهش	پژوهش در سرگذشت پیشینیان- بهره گیری از معلومات جهت حل مسائل آتی - لزوم تلاش برای حل مسائل - شکیبایی در کشف حقیقت - تحقیق برای کشف حقیقت - پرهیز از شتابزدگی در پژوهش - هدفداری در پژوهش - پژوهش در دین	۸

خطبه	نامه	حکمت	موضوعات	مضامین	فراوانی
-۱۲۰-۵۵-۶۴ -۷۸-۱۱۴-۱۸۰ ۸۶-۳۳-۶۶	۴۷-۵۳-۵۰-۲۱	-۴۵۹-۱۶ -۳۵۲-۱۱۳ -۴۰۳-۳۹۰ -۱۱۰-۳۵۲ ۱۲۱	برنامه ریزی	تقدم تقدیر الهی بر تدبیر انسان - برتری تدبیر بر عقل - برنامه ریزی برای آینده - پرهیز از کار بیهوده - آمادگی برای جهان آخرت - تقسیم اوقات به کارهای مختلف - هدفداری - برنامه ریزی روزانه - برنامه داشتن برای آینده جبران کننده خطاهای گذشته - توصیه به نظم	۲۱
-۸۳-۶۴-۵۳-۱۸۳ -۱۵۸-۱۲۰-۱۲ -۱۷-۱۶-۱۳-۱۹۲ -۸۶-۶۰-۱۸۵-۲۵ -۱۹۶-۹۴-۲۳۷ -۸۷-۱۲۰-۲۳۷ -۱۰۲-۹۷-۹۳ -۱۶۶-۱۰۵-۱۰۳ -۷۳-۱۰۱-۱۸۷ -۱۰۰-۷۱-۳۹ -۱۱۱-۱۵۴-۱۵۲ ۱۶۳-۵۷	-۵۹-۴۸-۳۱-۵۳ ۳۱-۲۱-۳۱-۷۳-۳	-۳۱۳-۱۵۰ -۱۵۱-۲۷۲ -۲۶۷-۲۱۰ -۳۶۳-۱۱۸ -۱۶-۲۸۵ -۴۸-۴۳۲ ۲۰۹-۱۱۳	آینده‌پژوهی	خطرات عدم آینده‌پژوهی - به کارگیری افراد بلند همت - گذشته چراغ راه آینده - غنیمت شمردن فرصت های کنونی برای بهره مندی از نتایج آن در آینده - دوراندیشی - توجه به آخرت - خبر قرآن از آینده - خبر از آینده - نکوهش عدم آینده‌پژوهی - عاقبت اندیشی - آینده نگری	۶۱
-۶۶-۱۶۰-۱۶۰ -۱۰۷-۱۲۴-۱۹۰ ۱۱-۲۴۱	۱۱-۱۱۶	۴۰۳-۳۱۵-۸۱	مهارت آموزی	مقدار تخصص هر کس عامل تعیین مقدار ارزش او - مهارت خطاطی - مهارت موسیقی و خوانندگی - مهارت زنبیل بافی - تخصص گرایی - مهارت نظامی	۱۳
-۲۰۸-۴۳-۴۱ ۱۵۹	-۵-۵-۵-۳۴-۳۳ -۴۵-۴۴-۴۲-۴۰ -۵۹-۱۸-۱۸-۱۸ ۵۹-۵۹	-۳۵۲-۴۴۱ ۴۷۶	مدیریت	مسابقه در مدیریت - نظارت بر عملکرد مدیران - استفاده از ظرفیت مردم در مدیریت - رعایت الزامات مدیریت اسلامی - پرهیز از استفاده از زور در مدیریت - لزوم قاطعیت در مدیریت	۷

تحلیل کیفی محتوای نهج‌البلاغه منجر به استخراج ۱۷۴ مضمون پایه شد که در قالب ۷ مضمون اصلی دسته‌بندی شدند؛ در این میان، مؤلفه آینده‌پژوهی با ۶۱ فراوانی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و مؤلفه‌های علم و اندیشه‌ورزی با ۶۰ فراوانی و برنامه‌ریزی با ۲۱ فراوانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند، درحالی‌که مؤلفه صنعت و فناوری با ۴ فراوانی کمترین بسامد را داشته است، که نشان‌دهنده تأکید اصلی نهج‌البلاغه بر نگاه به آینده و تعقل و جایگاه‌های متفاوت برای سایر مهارت‌ها و حوزه‌هاست.

جدول۲.مقدار داده‌های بهنجار شده و ضریب اهمیت (Wj) مؤلفه‌های علم و پژوهش از منظر نهج‌البلاغه

ردیف	مؤلفه‌ها	داده‌های بهنجارشده	ضریب اهمیت(wj)	رتبه
۱	علم و اندیشه‌ورزی	۰/۳۲۶	۰/۳۲۷	۲
۲	صنعت و فناوری	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱	۷
۳	تحقیق و پژوهش	۰/۰۴۳	۰/۰۴۲	۶
۴	برنامه ریزی	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۳
۵	آینده‌پژوهی	۰/۳۳۱	۰/۳۳۲	۱
۶	مهارت آموزی	۰/۰۷۰	۰/۰۷۰	۵
۷	مدیریت	۰/۰۹۲	۰/۰۹۲	۴

در بخش کمّی پژوهش، برای تعیین میزان اهمیت مؤلفه‌های استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، فراوانی هریک از هفت مؤلفه وارد فرایند وزن‌دهی آنتروپی شانون شد. در گام نخست، تمام فراوانی‌ها به‌صورت داده‌های بهنجار شده تبدیل شدند تا امکان مقایسه مؤلفه‌ها در یک مقیاس یکسان فراهم شود. در گام دوم میزان «عدم‌اطمینان» هر مؤلفه محاسبه گردید؛ به این معنا که تحلیل شد هر مؤلفه تا چه اندازه پراکندگی اطلاعات دارد و چقدر داده‌هایش متمرکز است. در گام سوم، با استفاده از میزان کاهش عدم‌اطمینان، «ضریب اهمیت» یا وزن نهایی هر مؤلفه تعیین شد. نتایج نشان داد مؤلفه آینده‌پژوهی با فراوانی ۶۱ و ضریب اهمیت ۰,۳۳۲ بالاترین وزن را دارد و در رتبه اول قرار می‌گیرد؛ یعنی بیشترین سهم را در ساختار مفهومی نهج‌البلاغه داراست. پس از آن، مؤلفه علم و اندیشه‌ورزی با فراوانی ۶۰ و ضریب اهمیت ۰,۳۲۷ در رتبه دوم قرار گرفته و نشان می‌دهد این حوزه نیز اهمیت بسیار بالایی در متن دارد. مؤلفه برنامه‌ریزی با فراوانی ۲۱ و ضریب اهمیت ۰,۱۱۴ رتبه سوم را کسب کرده و بیانگر تأکید نهج‌البلاغه بر نظم، هدف‌گذاری و تدبیر است. در ادامه، مؤلفه مدیریت با فراوانی ۷ و وزن ۰,۰۹۲ در رتبه چهارم قرار دارد و مؤلفه مهارت‌آموزی با فراوانی ۱۳ و وزن ۰,۰۷۰ در رتبه پنجم است. پس از آن، مؤلفه تحقیق و پژوهش با فراوانی ۸ و وزن ۰,۰۴۲

رتبه ششم را به خود اختصاص می‌دهد. در نهایت، مؤلفه صنعت و فناوری با فراوانی ۴ و کمترین ضریب اهمیت ۰٫۰۲۱ در رتبه هفتم قرار گرفته و کمترین سهم را دارد. در ادامه نیز سعی شده است تا در جدول ۳ مؤلفه‌های استخراج شده از نهج‌البلاغه به بندهای مربوطه در بیانیه گام دوم مرتبط شود.

جدول ۳. تطبیق مؤلفه‌های نهج‌البلاغه با سرفصل‌های بیانیه گام دوم

مؤلفه‌ها	بخش متناظر در بیانیه	توضیح
علم و اندیشه‌ورزی	«علم و پژوهش»؛ «دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است»؛ «باید از مرزهای کنونی دانش عبور کنیم»	انطباق مستقیم مفهومی؛ تأکید بیانیه بر تولید دانش، عبور از مرزهای علم و عقلانیت راهبردی
صنعت و فناوری	**«موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری»؛ «هزاران شرکت دانش‌بنیان»؛ «چرخه سوخت هسته‌ای، نانو، زیست‌فناوری»**	انطباق عملیاتی؛ تبدیل علم به فناوری بومی و تقویت قدرت صنعتی و دانش‌بنیان
تحقیق و پژوهش	«رستاخیز علمی»؛ «شتاب یازده برابر رشد علم»؛ «مراکز پژوهش و پژوهندگان»	انطباق کارکردی؛ تبیین پژوهش به‌عنوان موتور پیشرفت و رستاخیز علمی کشور
برنامه ریزی	«برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت»؛ «برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت تنظیم شود»	انطباق راهبردی؛ ضرورت شناخت گذشته و طراحی مرحله‌ای مسیر آینده
آینده‌پژوهی	«دهه‌های آینده دهه‌های شماست»؛ «گام بزرگ دوم»؛ «ایجاد تمدن نوین اسلامی»	انطباق افق‌محور؛ جهت‌دهی تمدنی و نگاه بلندمدت به آینده انقلاب
مهارت آموزی	«مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان»؛ «نیروی انسانی مستعد و کارآمد»	انطباق تربیتی؛ تأکید بر تربیت نیروی انسانی جوان، کارآمد و توانمند
مدیریت	«مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل ما می‌توانیم»؛ «عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی»	انطباق ساختاری؛ نقش مدیریت جهادی و اصلاح ضعف‌های مدیریتی در تحقق اهداف کلان

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از ۱۷۴ مضمون پایه، هفت مقوله اصلی شامل آینده‌پژوهی، علم و اندیشه‌ورزی، برنامه‌ریزی، مهارت‌آموزی، تحقیق و پژوهش، مدیریت و صنعت و فناوری شناسایی شده است. این الگو نمایانگر نگرش راهبردی و تربیتی نهج‌البلاغه است که علاوه بر توصیه‌های اخلاقی، چارچوبی جامع برای تربیت انسان‌های اندیشمند و مسؤول فراهم می‌آورد. این چارچوب به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز کمک می‌کند و پیش‌نیازهایی برای شکل‌گیری انسان‌های با بینش عمیق و آینده‌نگر به وجود می‌آورد.

برجستگی مضمون آینده‌پژوهی با ۶۱ فراوانی در نهج‌البلاغه، نشان‌دهنده تأکید محوری

متن بر دوراندیشی، تحلیل پیامدهای رفتار و پیش‌بینی نتایج است. این مضمون توانایی افراد را در شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، افزایش قدرت برنامه‌ریزی راهبردی و سنجش اثرات بلندمدت اقدامات تقویت می‌کند. این ویژگی‌ها کاملاً با اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، تربیت نسلی آینده‌نگر و توانمند و سند چشم‌انداز، ایجاد جامعه‌ای دانش‌بنیان و مقاوم همخوانی دارد. در نتیجه، آینده‌پژوهی در نهج‌البلاغه یک مکانیسم تربیتی و راهبردی برای ارتقای تحلیل منطقی، مسئولیت‌پذیری و مدیریت هوشمند منابع است که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های اثرگذار و تحقق توسعه پایدار کشور خواهد بود. همچنین باید گفت این مؤلفه، بالاترین ضریب اهمیت را در متن نهج‌البلاغه دارد و با محورهای بیانیه گام دوم مانند پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های آینده» و تصمیم‌گیری استراتژیک برای کشور همسوست. در سیاست‌گذاری علمی کشور، آینده‌پژوهی می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های پژوهشی بلندمدت، اولویت‌بندی حوزه‌های علمی، و پیش‌بینی نیازهای فناورانه آینده باشد؛ برای مثال، راه‌اندازی مراکز مطالعات راهبردی فناوری‌های نوین در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها. البته نیز باید گفت یافته حاضر با نتایج رضاقلی(۱۴۰۳) همسو است؛ زیرا او نیز با تفکیک آینده به دو نوع محتوم و غیرمحتوم، بر نقش اختیار و برنامه‌ریزی انسان در ساخت آینده تأکید کرده است. این هم‌سویی نشان می‌دهد که تأکید نهج‌البلاغه بر آینده‌نگری، ناظر به مسئولیت فعال انسان در مواجهه با آینده است، نه صِرف آگاهی از آن.

به مقوله صنعت و فناوری با مقدار ۴ مورد کمتر از بقیه اشاره شده است. نکته قابل تأمل آن است که مؤلفه صنعت و فناوری در مقایسه با سایر ابعاد علم، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. این یافته نیز، با تأکید صوفی‌نیا کارمند (۱۴۰۴) مبنی بر اینکه «علم» در نهج‌البلاغه تنها با تلفیق با عمل به فناوری و قدرت منجر می‌شود، همسو است. به عبارت دیگر، کم‌فراوانی آن به معنای عدم اهمیت نیست، بلکه نشان می‌دهد این حوزه به‌طور مستقیم در نهج‌البلاغه، تابع الزامات بنیادین‌ترِ ایمان، حکمت عملی و عمل است. این یافته، در نگاه نخست می‌تواند به معنای کم‌توجهی متن به حوزه صنعت تلقی شود؛ با این حال، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که مفاهیم مرتبط با تولید، عمران، مهارت، تدبیر و سامان‌دهی اقتصادی در نهج‌البلاغه به‌صورت پراکنده و غیرمستقل مطرح شده‌اند. بدین ترتیب، صنعت نه به‌عنوان یک حوزه مستقل مفهومی، بلکه در پیوند با مقولاتی چون عدالت، مدیریت، مسئولیت اجتماعی و حکمت عملی قابل فهم است. از این منظر، کم‌فراوانی ظاهری این مؤلفه لزوماً به معنای فقدان بنیان نظری آن نیست، بلکه می‌تواند ناشی از شیوه بیان و ساختار مفهومی متن باشد. همچنین یکی از پرسش‌های اساسی برآمده از یافته‌ها آن است که آیا کم‌فراوانی مؤلفه صنعت و فناوری در نهج‌البلاغه را باید به‌عنوان یک کاستی تلقی کرد یا آن را ناشی از تفاوت افق معنایی متن دانست. تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که مفهوم «صنعت»

در قرن نخست هجری با معنای مدرن آن که ناظر به فناوری پیچیده و نظام صنعتی است، هم‌پوشانی کامل ندارد. در آن دوره، تولید و مهارت‌های فنی ذیل مفاهیمی چون عمران، تدبیر معیشت، عدالت اقتصادی و سامان‌دهی اجتماعی فهم می‌شدند. از این‌رو، نهج‌البلاغه بیش از آنکه به ابزار و تکنیک بپردازد، بر مبانی عقلانی و اخلاقی به‌کارگیری آن تأکید دارد. در این چارچوب، صنعت بدون حکمت و عدالت فاقد اصالت است و تقدم با بنیان‌های معرفتی و اخلاقی است که زمینه شکل‌گیری تمدن و فناوری را فراهم می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت کم‌فراوانی صریح صنعت در متن نه به معنای غفلت، بلکه بیانگر اولویت‌بندی معرفتی متفاوتی است که ابزار را تابع ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های الهی می‌داند. ضریب اهمیت این مقوله نیز به مقدار ۰/۰۲۱ بوده و در این خصوص می‌توان گفت صنعت و فناوری کمترین بسامد را در نهج‌البلاغه دارد اما نشان‌دهنده اهمیت رشد اقتصادی و خودکفایی کشور است. در سیاست‌گذاری علمی، می‌توان بر توسعه فناوری‌های بومی، حمایت از نوآوری صنعتی و پیوند دانشگاه و صنعت تأکید کرد؛ برای نمونه، ایجاد پارک‌های علم و فناوری و حمایت از طرح‌های صنعتی دانش‌بنیان.

علم و اندیشه‌ورزی با ۶۰ فراوانی نشان می‌دهد که دانش و تعمق فکری شاید پیش‌شرط تصمیم‌گیری‌های راهبردی، اخلاق‌مدار و آینده‌محور است. بنابراین علم و اندیشه‌ورزی با ضریب اهمیت ۰.۳۲۷ در رتبه دوم اهمیت قرار دارد و این تأکید بر تفکر، به‌طورمستقیم با یافته امامی میبدی و همکاران (۱۴۰۳) همسو است؛ چرا که آنان، شرایط علی اندیشه‌ورزی را مواردی چون «میل به آگاهی»، «بهره‌مندی از قلب، سَمع و بصر» و راهبردهایی چون «جامع‌نگری» می‌دانند. شاید بتوان گفت که نهج‌البلاغه دانش را نه صرفاً برای افزایش معرفت نظری، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پرورش انسان اخلاق‌مدار، حکیم، مسئول و متعهد معرفی می‌کند. این مضمون افراد را توانمند می‌سازد تا رفتارها و تصمیمات خود را با توجه به پیامدهای فردی، اجتماعی و ملی هدایت کنند. از این منظر، علم و اندیشه‌ورزی با اهداف بیانیه گام دوم در زمینه توسعه علمی و پژوهشی و تربیت نسل آینده‌نگر و با اهداف سند چشم‌انداز در پرورش نیروی انسانی خلاق، تحلیلگر و مسئول همسو است. شاید بتوان گفت که بدون پایه علمی و تفکر عمیق، تصمیم‌گیری‌های راهبردی و اقدامات موثر برای توسعه کشور به سختی محقق خواهد شد و این مضمون، پیش‌زمینه لازم برای ایجاد جامعه دانش‌بنیان و توسعه متوازن کشور را فراهم می‌آورد. همچنین باید گفت که مؤلفه حاضر دارای ضریب اهمیت ۰/۳۲۷ بوده و با هدف ارتقای دانش و تفکر انتقادی، کلید تحقق «عزت علمی و قدرت ملی» است. این مؤلفه می‌تواند در سیاست‌گذاری علمی کشور مبنای برنامه‌ریزی توسعه علوم پایه، تقویت مهارت‌های پژوهشی دانشجویان و ارتقای کیفیت آموزش عالی قرار گیرد؛ برای نمونه، تدوین دوره‌های ترکیبی علوم نظری و مهارت‌های

پژوهشی در دانشگاه‌ها و حمایت از تحقیقات میان‌رشته‌ای که به حل مسائل ملی می‌انجامد.

برنامه‌ریزی با ۲۱ فراوانی نشان می‌دهد که نظم، تدبیر و مدیریت منابع و زمان اهمیت ویژه‌ای دارد. شاید بتوان فرض کرد که این مضمون فرآیندی است که اندیشه و دانش را به عمل تبدیل می‌کند و بدون آن، حتی بهترین تصمیم‌ها نیز اثرگذاری واقعی نخواهند داشت. برنامه‌ریزی در نهج‌البلاغه احتمالاً نه صرفاً مهارت اداری، بلکه فرآیندی اخلاقی و تربیتی است که موجب انسجام و هماهنگی میان اهداف فردی، جمعی و ملی می‌شود. این موضوع با اهداف بیانیه گام دوم در تربیت مدیریتی آینده‌نگر و کارآمد و با اهداف سند چشم‌انداز در ایجاد نظام مدیریت راهبردی، بهره‌ور و هوشمند همخوانی دارد. شاید بتوان گفت که توانایی برنامه‌ریزی، پیش‌نیاز مدیریت پروژه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی و تحقق اهداف کلان توسعه کشور است. از طرفی ضریب اهمیت این مقوله ۰/۱۱۴ بوده و می‌توان گفت برنامه‌ریزی در نهج‌البلاغه بر نظم، هدف‌گذاری و بهره‌وری تأکید دارد. در سیاست‌گذاری علمی کشور، این مؤلفه می‌تواند به شکل تدوین نقشه راه علمی کشور، تعیین اولویت‌های پژوهشی و طراحی برنامه‌های زمان‌بندی‌شده برای اجرای پروژه‌های ملی نمود یابد. به‌عنوان مثال، ایجاد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه فناوری در حوزه‌های کلیدی کشور.

مهارت‌آموزی با ۱۳ فراوانی نشان می‌دهد که توانمندی‌های عملی و حرفه‌ای به اندازه دانش نظری اهمیت دارند و شاید پرورش مهارت‌های علمی، فنی، هنری و مدیریتی پیش‌زمینه تحقق اهداف بیانیه گام دوم در تربیت نسلی توانمند، خلاق و مسئول باشد. شاید بتوان فرض کرد که مهارت‌آموزی نه تنها زمینه بهره‌وری فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، بلکه افراد را برای مشارکت فعال و مؤثر در حوزه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی آماده می‌سازد. همچنین باید اشاره کرد که ضریب اهمیت این مقوله ۰/۰۷۰ بوده و مهارت‌آموزی با تقویت توانمندی عملی و تخصصی افراد، مرتبط است. در سیاست‌گذاری علمی کشور، می‌توان آن را به طراحی دوره‌های آموزش مهارتی و پژوهش‌محور در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، تقویت توانایی‌های حل مسئله دانشجویان و حمایت از نوآوری و کارآفرینی مرتبط کرد؛ برای مثال، توسعه برنامه‌های کارورزی و پروژه‌های صنعتی-دانشگاهی. به‌طوری‌که این موضوع به تحقق اهداف سند چشم‌انداز در زمینه توسعه منابع انسانی کارآمد، توانمند و خلاق کمک می‌کند و نشان می‌دهد که ترکیب دانش و عمل شرط لازم برای پیشرفت پایدار کشور است.

تحقیق و پژوهش با ۸ فراوانی بازتاب‌دهنده اهمیت تجربه، صبر و حقیقت‌جویی در مسیر دانش‌اندوزی است. شاید بتوان فرض کرد که نهج‌البلاغه تأکید دارد برای دستیابی به دانش و حکمت، شتابزدگی و سطحی‌نگری مانع از فهم عمیق می‌شود. این مضمون زمینه ایجاد فرهنگ پژوهش و توسعه پژوهش‌های راهبردی را فراهم می‌کند و با اهداف بیانیه گام دوم و سند چشم‌انداز در تربیت پژوهشگران مسئولیت‌پذیر و ایجاد جامعه دانش‌بنیان همخوانی

دارد. شاید بتوان گفت که تحقیق و پژوهش، پیش‌زمینه تحقق توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور است، زیرا تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه بدون داده، تجربه و تحلیل عمیق امکان‌پذیر نیست. ضریب اهمیت این مقوله نیز ۰/۰۴۲ می‌باشد. به‌طوری‌که تحقیق و پژوهش نشان‌دهنده اهمیت تولید دانش و بررسی نظام‌مند پدیده‌هاست. این مؤلفه می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری علمی کشور در ایجاد مراکز تحقیقاتی پیشرفته، حمایت از پژوهش‌های کاربردی، و هدایت پروژه‌ها به سمت حل مسائل ملی باشد؛ مثلاً راه‌اندازی صندوق‌های پژوهش مسئله‌محور و حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان.

مدیریت با ۷ فراوانی ریشه در نگرش اخلاقی متن به قدرت و مسئولیت دارد که تا حدودی با تأکید امینی (۱۴۰۳) بر ابعاد مدیریت جهادی (برنامه‌ریزی، رهبری، کنترل) همخوانی مستقیم دارد. چراکه یافته حاضر بر اخلاق‌مداری، عدالت و استفاده از ظرفیت مردم متمرکز است، مبانی ارزشی و اخلاقی لازم برای تحقق وظایف مدیریتی مورد نظر امینی (۱۴۰۳) از منظر نهج‌البلاغه را فراهم می‌آورد؛ شاید بتوان گفت که نهج‌البلاغه مدیریت را فرآیندی اخلاقی، عقلانی و مبتنی بر بهره‌گیری از ظرفیت مردم و تحقق عدالت می‌داند. این مضمون با اهداف بیانیه گام دوم درباره تربیت مدیران اخلاق‌مدار، انقلابی و آینده‌نگر همسو است و می‌تواند تحقق مدیریت انسانی، سازمانی و اجتماعی کارآمد و متعهد به اهداف ملی را ممکن سازد. همچنین این مضمون با اهداف سند چشم‌انداز درباره تقویت نظام حکمرانی، ارتقای کارآمدی سازمانی و بهره‌گیری از نیروی انسانی مؤثر و مسئولیت‌پذیر هماهنگ است و نشان می‌دهد. همچنین ضریب اهمیت مقوله حاضر در حدود ۰/۰۹۲ بوده و در این خصوص می‌توان گفت مدیریت در نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و رعایت اصول اخلاقی همسوست. در حوزه سیاست‌گذاری علمی، این مؤلفه می‌تواند به طراحی ساختارهای سازمانی پژوهشی کارآمد، ارتقای شفافیت و پاسخگویی مراکز علمی و ایجاد سیستم‌های نظارت بر عملکرد پروژه‌های علمی کمک کند؛ مثلاً ایجاد شبکه‌های نظارت و ارزیابی پروژه‌های کلان ملی.

با عنایت بر یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که یافته‌ها محدود به تحلیل نهج‌البلاغه و ۱۷۴ مضمون استخراج شده و ممکن است بازتاب تمامی متون دینی یا تربیتی مشابه نباشد. همچنین تعمیم یافته‌ها به سایر متون یا برنامه‌های آموزشی ممکن است محدود باشد و تحلیل مضامین مبتنی بر تفسیر پژوهشگر است و احتمال سوگیری در تعیین اهمیت یا ریشه‌یابی مفاهیم وجود دارد. همچنین این پژوهش بر متن فارسی نهج‌البلاغه متمرکز بود و ممکن است در ترجمه برخی ظرایف مفهومی و معنایی ناپدید یا کمرنگ شده باشند. همچنین داده‌ها محدود به تحلیل کیفی متنی است و بازتاب عملی این مؤلفه‌ها در رفتار و تصمیم‌گیری واقعی جامعه هنوز

بررسی نشده است. افزون بر این، فرایند کدگذاری تنها در قالب تحلیل محققان انجام شد و نمونه‌های عینی برای مشاهده مستقیم روش تحلیلی ارائه نشده‌اند. در ادامه بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر نیز می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

۱. در نهج‌البلاغه، برنامه‌ریزی شامل هدف‌گذاری، نظم و تدبیر برای آینده است. این مؤلفه به‌طور مستقیم می‌تواند راهکار کاهش پراکندگی پروژه‌های پژوهشی را حمایت کند. به عبارت دیگر، با الهام از تأکید امام علی(ع) بر تقسیم صحیح اوقات و تدبیر، نظام پژوهش می‌تواند برنامه‌ریزی کلان و پروژه‌محور را اجرا کند تا منابع پژوهشی به‌صورت هدفمند و اثرگذار تخصیص یابد.

۲. با توجه به اهمیت آینده‌نگری در نهج‌البلاغه، این مؤلفه می‌تواند سیاست‌گذاری علمی مبتنی بر نیازهای آینده کشور را هدایت کند. به‌عنوان مثال، انتخاب پروژه‌های پژوهشی با نگاه به فناوری‌های نوظهور و مشکلات بلندمدت جامعه، دقیقاً تجسم فلسفه آینده‌پژوهی است.

۳. تأکید نهج‌البلاغه بر کسب مهارت‌های متنوع، می‌تواند راهکار تقویت آموزش مهارت‌محور در دانشگاه‌ها و دوره‌های تحصیلات تکمیلی را پشتیبانی کند. به‌این ترتیب، دانشجویان توانایی حل مسئله و پژوهش کاربردی را به دست می‌آورند.

۴. با توجه به جایگاه اندیشه و تعقل، این مؤلفه مسیر تبیین چارچوب‌های نظری برای پژوهش‌های علوم انسانی و طراحی روش‌های تفکر انتقادی را فراهم می‌کند و تضمین می‌کند که پژوهش‌ها بر پایه اصول علمی و فلسفی قوی انجام شوند.

۵. تأکید امام علی(ع) بر جستجوی حقیقت و هدفمندی پژوهش‌ها، می‌تواند ایجاد مراکز پژوهش موضوعی و پروژه‌محور، و تمرکز بر حل مسئله واقعی جامعه را هدایت کند.

۶. مؤلفه مدیریت با تأکید بر نظارت و بهره‌گیری از ظرفیت مردم، نشان می‌دهد که حمایت از مدیران ریسک‌پذیر و هدایت پروژه‌های پژوهشی کلان می‌تواند اثربخشی پژوهش‌ها را افزایش دهد.

۷. با وجود فراوانی کم، این مؤلفه می‌تواند ارتباط پژوهش با صنعت و نوآوری‌های فناورانه را تقویت کند؛ برای مثال، با الهام از توصیه‌های نهج‌البلاغه در حمایت از صنعتگران، می‌توان پژوهش‌های کاربردی در حوزه فناوری را هدایت کرد و شکاف بین دانشگاه و صنعت را کاهش داد.

۸. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های تطبیقی مشابه روی «صحیفه سجادیه» انجام شود تا منظومه تربیتی و علمی ائمه(ع) از منظر علمی و عملی به‌طور جامع بررسی شود.

۹. بهتر است مطالعات آینده، مؤلفه‌های نهج‌البلاغه را در چارچوب عملیاتی مانند بیانیه گام دوم تحلیل کنند و یک جدول تطبیقی دقیق ارائه شود تا رابطه نظری و عمل به وضوح

مشخص گردد.

۱۰. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی با ترکیب تحلیل کیفی و کمّی، سهم هر مؤلفه در شکل‌دهی به سبک مدیریت، برنامه‌ریزی و تربیت را کمّی‌سازی کنند تا تفسیر فلسفی و کاربردی ضریب اهمیت‌ها برای خوانندگان علوم انسانی ملموس‌تر شود.

تضاد منافع

بدینوسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که این اثر حاصل یک پژوهش مستقل بوده و هیچگونه تضاد منافعی با سازمان‌ها و اشخاص دیگر ندارد

منابع

قرآن کریم

امامی میبدی، سید جلیل، صحرائی اردکانی، کمال، رضاپور میرصالح، یاسر و میرجلیلی، علی محمد. (۱۴۰۳). اندیشه‌ورزی از منظر نهج البلاغه: یک مطالعه داده‌بنیاد محورهای موضوعی. *پژوهش‌های معرفت‌شناختی*، ۲۷(۱۳): ۱۹۷-۲۳۰.

امینی، محمدرضا (۱۴۰۳). بررسی مؤلفه‌های برنامه ریزی در سیستم مدیریت جهادی از دیدگاه نهج البلاغه. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی. دوره برگزاری: ۹.

پورعابدی، محمدرضا (۱۴۰۰). چرا پژوهش در رفع مشکلات کشور آنچنان موثر نیست؟. خبرگزاری جمهوری اسلامی، لینک گزارش: https://B2n.ir/b57249.

حمیدوند، عدیل، بهاری، بهنام و عظیمی، محمد.(۱۴۰۳). شناسایی و واکاوی مؤلفه‌های سلامت جسمی از منظر قرآن. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. ۲۲ (۲) :۱۸۷-۱۹۶

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴). وضع نامطلوب تولیدات علمی در علوم انسانی. خبرگزاری مهر، لینک گزارش: https://B2n.ir/t82822.

دانائی‌فرد، حسن (۱۴۰۰). نقش پژوهش در ارتقا کیفیت کشورداری. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۱۱(۳): ۱۹۴-۱۹۹.

رضاقلی، امیر. (۱۴۰۳). درآمدی بر ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی و توجه به سطوح آن با تمرکز بر نهج‌البلاغه. *فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی*، ۳(۱۱)، ۱۲۹-۱۵۰.

سلطانی، بهزاد (۱۴۰۲). پژوهش بنیادی باید به سمت کاربردی و عملیاتی‌شدن تغییر مسیر دهد. دانشگاه ادیان و مذاهب، لینک گزارش: https://B2n.ir/m32018.

سیدرضی (۱۳۹۵). *نهج‌البلاغه، (ترجمه سید محمد دشتی)*. تهران: انتشارات نی.

شهسواری، امیر و علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش مروری و نقش آن در تولید دانش: توسعه

یک گونه‌شناسی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۵(۹۸): ۷۹-۱۰۵.
صادقی، فرزانه؛ دانش‌فرد، کرم‌الله؛ خیراندیش، مهدی و پیله‌وری، نازنین (۱۴۰۳). شناسایی و رتبه‌بندی مقوله‌های جانشین‌پروری مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. *مطالعات دین؛ معنویت و مدیریت*، ۱۱(۲۰): ۱۵-۱۷۲.
صوفی نیا کارمند، امیر(۱۴۰۴). بررسی جایگاه علم و فناوری در نهج البلاغه، بیستمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران،تهران،https://civilica.com/doc/۲۳۱۴۷۹۱.
عرب‌بافرانی، محمدرضا و مهتدی، مهدی (۱۳۹۹). شناسایی تصاویر و ابرتصویر ارائه شده توسط بیانیه گام دوم با رویکرد تصویرسازی آینده. فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۳۵): ۲۰۳-۲۲۲.
فولادی، محمد (۱۴۰۲). تأثیر پژوهش‌های علمی دانش‌آموزان، تأثیر و نقش آن در برنامه‌درسی دانش‌آموزان، *پنجمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد ازنگاه معلم*،https://civilica.com/doc/۱۷۶۰۹۶۸
کاظمی، نگار (۱۴۰۳). تأثیر تحقیق و پژوهش در یادگیری. *هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*، ماززندران، ۳۰ آذر.
کشاورز، محمود (۱۴۰۳). نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و ارتباط آن با تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی. *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۷(۲): ۳۴۱-۳۶۹.
کیانی، مهین؛ برزنونی، سمیه؛ سیدحسینی، ناهید؛ زهره‌زاده، احمد؛ شعبانی، نگار و سرمدی، محمد (۱۳۹۸). بررسی نقش فعالیت‌های پژوهشی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه. *مجله تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه*، ۱(۲): ۴۵-۵۷.
مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۷). سخن سردبیر: بیانیه گام دوم انقلاب، رهنامه پیشرفت ایران اسلامی. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۶(۳): ۵-۱۴.
موجی، محبوبه (۱۴۰۲). بررسی نقش و جایگاه علم در احیای تمدن اسلامی از منظر نهج‌البلاغه. *رویکرد فلسفه در مدارس و سازمان‌ها*، ۲(۱): ۱۴-۲۸.
نژادابراهیمی، صمد (۱۴۰۳). مهم‌ترین دلایل افت تولید علم در ایران. خبرگزاری مهر، لینک گزارش: https://B2n.ir/f12869.
نظری، فرهاد (۱۴۰۰). اخلاق حرفه‌ای در مراکز تعلیم و تربیت با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.*اخلاق حرفه‌ای در آموزش*، ۱(۱): ۱۲۵-۱۵۳.